



1 میر عبدالواحدسات

طالبانیزیم ناقض حقوق و آزادی مردم :  
پیوست با عنوان بایداضافه نمود که:  
طالبانیزیم در جدل با معارف ، معرفت ، روشنایی و علم  
طالبانیزیم مغایر منافع ملی افغانستان و حامی مصالح پاکستان  
طالبانیزیم زن ستیز و عامل اپارتاید جنسیتی در جامعه  
طالبانیزیم با تمام معیار های ملی و بین المللی حیات مدنی در جنگ است !  
طالبانیزیم چیست ؟

طالبانیزیم قبل از همه فکر طالبانی ، ایدیولوژی ، تیولوژی و قرائت بدوی رهبری طالبان از دین مقدس اسلام است که بشدت افراطی ، متحجرانه ، مطلق گرا و منبعث از مدارس دیوبندی طراز پاکستانی است .  
برخلاف تصور تعداد از روشنفکران ، طالبانیزیم فکر مدون و منسجم است که زعامت طالبان از آدرس امیر المومنین و امارت اسلامی بخاطر تحقق آن تلاش مینمایند . مانیفست طالبان در کتاب « امارت اسلامی » تالیف اندیشه پرداز اساسی شان شیخ عبدالحکیم « قاضی القضاة » بیان گردیده است . کارشناسان ملی و بین المللی بشمول سازمان ملل متحد ، پنج تا هفت تن را سکندار اساسی زعامت طالبانیزیم وانمود مینمایند . این اختاپوت و ازدهای هفت سر ، در یکی از مهمترین کانون های جیوپولوتیک جهان و در پیچیده ترین بازیهای استخباراتی بین المللی ، « رسالت » دارند ، تا ارزشهای « اکوره ختک » را در افغانستان مستولی و به سلیقه مولانا های خبیث و انگریز مشرب پاکستان و در مسیر اهداف کلان آنکشور سوق نمایند .  
طالبان بارسیدن در قدرت ، تاجران دین و دین فروشان را متواری و فرار دادند و اما در عمل دین و آیین مردم را بگروگان گرفته اند و صاف و ساده فکر متحجر و دیوبندی خود را بمثابه « اصل دین » قرار می دهند و دساتیر امیر المومنین خود را « عین » دین و واجب الرعایه میخوانند .  
البته :

نقد طالبانیزیم نباید با انتقاد از دین مقدس اسلام تعبیر گردد و چه بسا که ، دین ستیزی هیچگونه سنخیت با روشنگری ندارد ( البته مباحث ریفورم در دین و نقد آن مربوط دانشمندان بزرگ دین است که در طول تاریخ اسلام و همین اکنون نیز شخصیت های ارجمند به این مسله میپردازند.)  
این موارد را به ایجاز متذکر گردیدیم که ، تعداد از خام اندیشی و یا بر وفق پلان و پروژه درین بیست و هشت سال و بویژه از راه اندازی سریال دوحه و تا اکنون ، با خندیدن به ریش خود از تغیر فکر رهبری طالبان سخن سرایی مینمایند ، بیخبر از آنکه در نفس این سخن نیز عناصر از طالبانیزیم وجود دارد و در واقع همانند آنان میخواهند « فکر » دیگران را مطابق خواست خود « تغیر » دهند .  
همین فکر طالبانیزیم عامل اساسی ناکامی طالبان در تشکیل دولت است ، که نتواسته اند درین بیشتر از شانزده ماه حکومت سرپرست و « دیفکتوی » شانرا که در واقعیت « ملا کراسی » تک صنفی و تک ... شخص

محور است ، مشروعیت داخلی و بین المللی کسب نمایند و به یقین و در سرانجام این افراطیت مذهبی و « طالبانیزیم » طومار سیطره شانرا در هم می پیچد .

قبل از پرداختن به موضوع اصلی ، تذکر این مطلب نیز ضروری است که :

طالبانیزیم مغایر منافع ملی افغانستان و ممثل منافع جیوپولوتیک پاکستان است که در « دور جدید بازیهای بزرگ » و بازیهای کلان جیوپولوتیک منطقوی و بین المللی مورد استفاده ابزری قدرتهای رقیب قرار دارد و سر نخ آن تا مراکز اصلی قدرت در ایالات متحده آمریکا میرسد .  
چرا مغایر منافع ملی :

به این دلیل ساده که این افراطیت طالبانیزیم افغانستان را به انزوای خطرناک بین المللی ، انقراض ، جنگ داخلی ، سوریه شدن میبرد .

موجودیت و تداوم افغانستان در گرو انکشاف و ترقی همجانبه آن است . گروگانگیری بیچاره ترین خلق خدا و بویژه زنان و دختران بخاطر امتیاز گیری و باج خواهی ، تا « کفار » کچکول گدایی شانرا پروحاکمیت شانرا برسمیت بشناسند .

معارف مدرن و با سابقه بیشتر از یک قرن را در سطح مدارس « حقانیه » تنزیل دادن ، بزرگترین خیانت ملی به تاریخ ، فرهنگ ، دین و آیین افغانستان است .

عدم توجه به مصالح افغانستان در دور اول حاکمیت طالبان و حمایت از تروریستان بین المللی و در راس اوسامه بن لادن ، بهانه تهاجم نظامی ایالات متحده آمریکا و ناتو بر افغانستان گردید و اکنون لجاجت ، افراطیت و بدویت کشور را به عصر حجر سوق داده و به میدان تحقق اهداف استعماری اجنبی مبدل ساخته است .

چرا حامی مصالح پاکستان :

بخاطریکه افغانستان ضعیف ، فاقد حکومت مشروع ، منزوی و باتلاق به نفع اهداف کلان جیوپولوتیک و استعماری پاکستان در راستای همان پلان عمق ستراتیژیک می باشد .

حذف زنان و دختران از جامعه:

زن ستیزی ناشی از فکر طالبانیزیم و هدف زعامت طالبان!

برای اینکه استدلال من ، مستند باشد ، توجه خواننده گرامی را به « حسن » ختام منظوم و یا قبح ختم کتاب ( امارت اسلامی ) فوق الذکر اندیشه پرداز اساسی طالبانیزیم جلب مینمایم که مبین دیدگاه طالبانیزیم در مورد زن است که زن را شایسته کور و یا گور میداند :

زیگانگان چشم زن کور باد

چو بیرون شد از خانه در گور باد

توخواننده عزیز حدیث مفصل بخوان ازین مجمل! تصمیم اخیر رهبری طالبان در رابطه به ممنوعیت تعلیم و تحصیل زنان را باید بحیث ستراتیژی اساسی شان در راستای حذف زنان از جامعه و اعمال تبعیض جنسیتی . ارزیابی نمود .

هبهات ، افسوس و صد افسوس !

حاکمان کنونی طالب این سلب حقوق دختران کشور را به دین و آیین مردم حواله می دهند .

از افاده حقوق شرعی که طالبان پیوسته انرا تکرار و از ان پیراهن حضرت عثمان و « سوته حافظ » ساخته طوری برخوردار می نمایند که ، گویا کدام کشور به زعم خودشان « «و با شعار برقراری « شریعت اسلامی کفری » را « فتح » نموده اند و یا شاید از تاریخ حدود چهارده صد سال اسلامی کشور شان بی اطلاع می باشند .

دین که با ( اقرأ ) آغاز یافته و خداوند به قلم سوگند یاد نموده است و پیغمبر آن فراگیری علم را بر مرد و زن فرض خوانده است ( طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة ) اکنون ببرکت طالبان کرام در ریش و حجاب خلاصه شده است:

دین ترادر پی آرایش اند

در پی آرایش و پیرایش اند

بس که ببستند بر او برگ و ساز

گر تو ببینی نشناسیش باز  
(حضرت سنایی)

مصیبت جاری در افغانستان در بعد حقوقی، از فقدان حاکمیت قانون و حاکمیت عقل ناشی می‌گردد. طالبانیزیم در ذات تفکر خود با این دو حاکمیت سر دشمنی دارند، تا راه را برای تحقق شریعت من درآوردی شان هموار نمایند.

افغانستان در صدبیشتر از سال اخیر قوانین زیاد، کد های مدنی و جزا داشته است و شش قانون اساسی را تجربه نموده و هیچکدام اسلامی نبوده است و چنانچه در قوانین اساسی قید گردیده است:

" در افغانستان قانون مناقض اصول دین مقدس اسلام نافذ شده نمیتواند "

بدینرو همه قوانین در صد سال اخیر در مغایرت با اصول دین و ایین مردم قرار نداشته است. اما دشمنان تاریخی افغانستان که از همان شاه امان اله و تاکنون مانع گذار افغانستان بشاهراه ترقی می باشند، سوال را بحساب اسلام و قانون مطرح و قانون را مخالف دین وانمود ساخته اند، چنانچه ملا عبدالله معروف به ملای لنگ ( بقول شاه امان اله، عدواله ) در مظاهره ولایت پکتیا که به اشاره انگلیس و مصوبه مدرسه دیوبندسازماندهی گردید، در يك دست قرانکریم و در دست دیگر قانون اساسی را گرفته و از مردم سوال نمود که:

کدام يك را قبول دارید؟

بسیار ضرور است تا تمام مدافعان صادق حقوق و ازادیهای مردم و منحملة زنان و مدافعان حقوق زن در داخل و خارج کشور، درین نبرد تاریخی علم و جهل، استمرار قانون مدنی افغانستان را بحیث خواست مشترک شان مطرح نمایند و ضرورت نفاذ عاجل قانون اساسی را چنانچه انجمن حقوقدانان افغان پیشنهاد نموده است، با راه اندازی نهضت سراسری مدنی در داخل و خارج کشور مطرح نمایند، تا بحران بزرگ حقوقی مهاروزمین اعمال حق حاکمیت ملی که بطور انحصاری بمردم تعلق دارد، ایجاد گردد.

طالبان نمیخواهند و یا نمیتوانند از سطح یک گروه ارتقا و به رهبران دولت مبدل گردند، بیاد داشته باشند که: در جهان کنونی و در قرن ( ۲۱ ) این دشمنی شان با تعلیم دختران در مغایرت با تمام معیار های حقوق بین المللی قرار دارد و نقض آشکار احکام اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای شش گانه ناشی و کنوانسیونهای حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون حقوق سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تحصیل حق شهروندان است و افغانستان که از قبل به این میثاقها الحاق نموده است، مکلف برعایت آن می باشد.

ملل متحد در دسامبر ( ۱۹۶۰ م ) کنوانسیون عدم تبعیض در آموزش و پرورش را به تصویب رسانیده است، تا با تمام اشکال تبعیض در آموزش و پرورش مبارزه واقعی صورت گیرد.

همچو تصامیم در ردیف جنایت علیه بشریت، اپارتاید جنسیتی ( Gender apartheid ) و نسل کشی فرهنگی ( Cultural genocide ) و جرایم بین المللی ( international crimes ) تعریف و در محکمه بین المللی جزایی ( International Criminal Court ( ICC ) قابل رسیدگی می باشد.

درست در چنین حالت است که حاکمان نقض حقوق مشروع مردم و ناقضان اصول قبول شده جهانی در ردیف « دولت باغی » ردیف بندی گردیده و فاقد مشروعیت ملی و بین المللی پنداشته می شوند. در کشوری که از هزاران سال صحبت از نبرد تاریخی اهورا و نور، علم و دانش مطرح بوده است و کلام بزرگان فرهنگ با ذهن و روان مردم عجین بوده است و بقول حضرت شیخ عطار:

چون شمع از پی علم باید گداخت

که بی علم نتوان خدا را شناخت

بدینرو:

دفاع از داعیه برحق انسانی، اسلامی و ملی دختران افغانستان بخاطر رفتن به مکتب نه تنها رسالت انسانی ما است که مهمترین وجیهه انسانی و شرط انسان بودن و مدنی بودن ما می باشد که بحیث حرکت بزرگ مدنی در سر خط کار ما و بویژه مردان قرار گیرد.

همنوایی محصلان ذکور در ننگرهار و تعداد از ولایات درخور ستایش است و باید وسیع و همگانی گردد . حرکت مدنی بخاطر دفاع از داعیه حقوق و آزادی زنان و دختران ، بشول حق تعلیم و تحصیل باید به یک رستاخیز بزرگ مدنی مبدل گردد بیاد باید داشت که :

درین کسوف تاریخ ، لحظه یی استثنایی ، وفاق ملی رقم خورده است . اکثریت قاطع احاد ملت و فرزندانشجاع وطن از اقوام و مناطق مختلف و پیروان مذاهب مختلف در دفاع از علم ، معارف و ترقی صدای مشترک شانرا بلند نموده اند . صدای مردم مظلوم ، صدای خدا است و د خلکو زور ، د خدای زوردی ! در جدل تاریخی جاری « سنت و تجدد» ، افتخارنه گفتن ! و ناقوس تغیر ، توسط زنان و دختران شجاع افغانستان به صدا در آمده است و محصلان و استادان ذکور با اقدامات دلیرانه مدنی شان ، میدان مبارزه را همگانی ساختند .

همنوایی با این رستاخیز عظیم ملی و پاسداری از « انقلاب امید » بویژه ، مکلفیت دیاسپورای افغانستان و افغانان جلاى وطن است !

و منحيث حسن ختام و بمثابة سرلوحه مبارزه تاريخ ساز دختران و زنان آينده ساز و جوانان غيور کشور کلام و خشورانه یکی از پدران معنوی و معارف پروران متجدد طرزی فقید را ، درین مبارزه تاریخی علم و جهل تکرار مینماییم :

معارف گلستانی دان، که ریحانش بود تحصیل  
معارف عندلیبی خوان، که الحانش بود تحصیل  
اگر اهل معارف بگذرد، باقی بود نامش  
حیات جاودان علمست و برهانش بود تحصیل  
می بزم معارف میدهد از جهل آزادی  
خسارات دیده گانرا رفع خسراش بود تحصیل  
معارف شد غذای روح و جای آن بود مکتب  
جهالت درد بی درمان و درماتش بود تحصیل  
معارف جمع آگاهی بود اندر زمان ما  
که از شر جهالت ها، نگهبانش بود تحصیل  
بیا «محمود» از فیض معارف تازه کن جانرا  
با حرمت

بیست و یکم دسامبر ( 2022 م )